

عالیجناب موریس دان بی کاپیتورن

نماینده ویرة دبیر کل سازمان ملل در حقوق بشر

آن زمان که بشریت به این تجربه گران دست یازید که حرمت و حمایت از حقوق بشر باید از فراسوی مرزهای ملی بگذرد و "بین الملل حقوق بشر" بر پا شود

آن زمان که افکار عمومی بر انگیزته و دل‌های سوخته جهانیان دولت‌ها را ناگزیر ساخت که به موازات محاکمه و مجازات مرتکبین جنایات جنگی و جنایات ضد بشریت حمایت از حقوق بشر را در چارچوب یک "قانون اساسی بین المللی" تامین و تضمین کنند

واقعیات زندگی امروز نشان می‌دهد که از کمال مطلوب بسیار بدور مانده‌ایم و هیچ یک از کشورها حتی مترقی‌ترین آنها نمی‌تواند به خود ببالد که کلیه مواد اعلامیه حقوق بشر را بمرحله اجرا گذارده است. . . . نقض حقوق انسانی، کشتارها و قتل عام‌هایی که بدون مجازات می‌ماند، استعمار زنان، گرسنگی، بردگی، فقدان آموزش، نقض آزادی عقیده، بیان تبعیض نژادی، خودکامگی، کلیه این مظالم و فجایع و اشیاء و نظایر آنها بقدری شیوع دارد که قابل انکار نیست. . . . اما نفوذ اعلامیه در سالهای آینده فزونی می‌گیرد زیرا بر مبنای اصل وحدت بشریت و حیثیت انسانی افراد استوار است. . . . این اعلامیه مظهر اصول اخلاقی عصر ماست. بنای باشکوه استواری بر فراز قوانین اساسی ملی است. ما دیگر نمی‌توانیم اجازه دهیم که فریاد مظلومان را با خشونت خفه کنند. دیگر دادگاه وجدان بشری نمی‌تواند در قبال دادخواهی ستم دیدگان بی تفاوت بماند و واکنش خود را با قاطعیت هر چه تمامتر از قوه به فعل در آورد

ایران بعنوان یکی از اعضای سازمان ملل متحد هم اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضاء کرده و هم به میثاق‌های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ملحق شده. حقوقی که با استمرار از طرف رژیم جمهوری اسلامی ایران تا بحال پایمال شده و در مجامع حقوق بشری برای ۳۵ بار به خاطر نقض حقوق بشر محکوم شده است. و هم چنین احترام به حیثیت و آزادی و حقوق انسان برای ملت ستمدیده ایران حالت خواب و خیال به خود گرفته و چون قرون گذشته همچنان در چنبره استبداد و ظلم و خودکامگی و تجاوز و بی قانونی اسیر و گرفتار است.

توده‌های عظیمی از ملت ایران حتی در بین باسوادان هیچگونه آگاهی و شناختی نسبت به حقوق خویش ندارند. در رژیم گذشته شاهنشاهی صحبت از قانون اساسی بود و حقوق بشر دستاویز "شاهزادگان" برای تظاهر به ترقیخواهی و تجددطلبی در مجامع بین المللی؛ و در

رژیم فعلی موقعیت یک فرد تحت عنوان "ولی امر" مافوق اراده و خواست و حاکمیت مردم<sup>۴</sup> در قانون اساسی مشروعیت می یابد و حقوق بشر بازیچه قدرت طلبی و خود کامگی "ولی امر" واقع می شود.

آری بی جهت نیست که قدرت گرایان و خود کامگان از آگاهی و شعور در هراسند و همواره با صاحبان خرد و دانش در ستیزند. موضوع اساسی که مردم ایران و جوانانی که از نسل تجربه انقلاب بر خواسته اند، اینست که اکنون دو جریان سلطه جو قدرت طلب و انحصارگر، یکی جناح مذهبی و مسلمان تحت نام جمهوری اسلامی و جناح دیگر مذهبی و مسلمان انقلابی تحت نام سازمان مجاهدین خلق ایران "جمهوری دمکراتیک اسلامی" در تمام ۱۷ سال گذشته سعی کرده اند، برای رسیدن به قدرت مطلقه و حکومت تک حزبی از دو جهت و در جو کامل ماکیاولیزم در کنار یکدیگر دست در دست هم در نابودی حقوق قانونی مردم ایران و آزادیهای اساسی گام بردارند. اما همه داستان به رابطه و نزدیکی این دو منتهی نمی شود. جناح مسلمان انقلابی یا سازمان مجاهدین خلق به بهانه اعتقادات التقاطی در احکام اسلامی خود تا سر حد دشمنی و سرکوب و کشت و کشتار و زندان و شکنجه در درون روابط سازمانی خود مستقر در خاک عراق پیش میرود، و اکنون آزادی و حرمت و اندیشه انسانی در پستوها و در زندان های مخوف سازمان مجاهدین خلق از این زندان به آن زندان و از این خانه امن به آن خانه امن در شهر بغداد زندگی می کند و رهبری سازمان طی این مدت با گوشت و پوست و خون انسان ها قبا ی هزارپاره ولایت فقیه خود را رفو کرده، و با جهل و خرافه گوی و کور دلی و تعصب و جزمیت و اسطوره پرستی و کیش شخصیت خویش را با شعار "ایران رجوی - رجوی ایران" براعضای معترض در اشکال مختلف همانند زندان و شکنجه از سال ۱۳۶۳ تا به امروز "۱۳۷۴" اعمال کرده است<sup>۵</sup>

من علی رضوانی متولد ۱۹۵۶ میلادی، پس از انقلاب ۱۳۵۷ وارد تشکیلات سازمان مجاهدین خلق شدم، و تا سال ۱۳۶۳ عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق بوده و در بخش تبلیغات "رادیو صدای مجاهد و تلویزیون مجاهدین" فعالیت میکردم، زندگی نامه سیاسی ام به همراه کتاب شکنجه در زندانهای رجوی گزارش به سازمان دیده بان حقوق بشر "سازمان میدل است و اج" گزارش واقعه حج را ارسال میدارم<sup>۶</sup> من به عنوان قربانی دستگاہ ولایت فقیه رجوی حاضر هستم دوران زندانی شدن خود و هم چنین شکنجه شدن خود را برای شما تشریح کنم<sup>۷</sup>

کسانیکه در شکنجه و در زندانی کردن من شرکت داشتن وهم چنین حکم اعدام برایم صادر کردن بین شرح میباشد<sup>۱</sup>

۱- سال ۱۳۶۳ محل کردستان عراق روستای ماوت و روستای کهریزه از استان سلیمانیه<sup>۲</sup> \*مسول زندانها، آقای ابراهیم ذاکری عضو دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران و عضو فعلی شورای ملی مقاومت ایران، و صادر کننده حکم اعدام و نماینده ویژه رهبری در امر سرکوب اعضای معترض، و مسول اعدام ۶تن از اعضای معترض در کردستان عراق بسال ۱۳۶۳، جرم اعدام شدهگان فقط پذیرفتن اصل امامت و ولایت فقیه شدن شخص مسعود رجوی رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران بود<sup>۳</sup>

\* زندانبانها ۰۰۰ در سال ۱۳۶۳ در کردستان عراق

۱- محمد حیاتی عضو دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق و عضو فعلی شورای ملی مقاومت، محمد حیاتی "خدایگان قدرت و نماینده ویژه رهبری در پیشبرد امر انقلاب و ولایت فقیه شدن شخص رجوی و ریس دادگاههای انقلاب تحت عنوان رفع ابهام از نیروهای هوادار" آقای محمد حیاتی مسولیت دادگاه و صادر کننده حکم اعدام و زندانی کردن من بود<sup>۴</sup>

۲- کاک اسد تبریزی عضو کمیته مرکزی و مسول جوخه اعدام در سال ۱۳۶۱ کردستان ایران که حکم اعدام تعداد ۳ تن از اسرای دستگیر شده را به اجرا در آورد، و هم چنین در سال ۱۳۶۳ حکم اعدام ۴تن از اسرای دستگیر شده را به اجرا در آورد، آقای اسد زندانبان من در زندان کهریزه و ماوت بود، وی بارها مرا بخاطر پذیرفتن اصل امامت و ولایت فقیه رجوی مورد ضرب شتم قرار داد<sup>۵</sup>

۳- مرتضی از بخش تسلیحات اهل همدان عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق و عضو فعلی شورای ملی مقاومت مجاهدین، یکی دیگر از زندانبان من بود که همه روزه بخاطر گرفتن حق رهبری مرا زیر مشت و لگد میگرفت و کتک میزد تا شاید ولایت فقیه رجوی را قبول بکنم<sup>۶</sup>

۴- ناصر ترک معروف به گشتاپو اهل تبریز جزو معاونین مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران و عضو فعلی شورای ملی مقاومت مجاهدین خلق، یکی از بی رحمتترین زندانبان بود با توجه به اینکه بارها با ناصر در عملیات نظامی بر علیه نیروهای رژیم خمینی در کنار هم جنگیده بودیم ولی ناصر بخاطر شخص رجوی حاضر شد در زندان کهریزه مرا شلاق بزند در یک کلام انسانی بی رحم و درنده میباشد<sup>۷</sup>

۵- مهدی برای عضو دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران و عضو فعلی شورای ملی مقاومت مجاهدین خلق، آقای مهدی برای جزو اعضای دادگساة انقلاب مجاهدین خلق و صادر کننده حکم اعدام و زندان برای اعضای معترض از جمله من بود

\*\*\* سال ۱۳۷۰ قرارگاه اشرف واقع در استان خالص عراق و در ۱۳۵ کیلومتری شمال شرقی شهر بغداد،

کسانیکه در امر زندانی کردن و ضرب و شتم و شلاق زدن من شرکت داشتن بدین شرح میباشند

۱- ریس دادگاههای انقلاب و ارتش آزادیبخش مجاهدین خلق ایران آقای مسعود رجوی، آقای مسعود رجوی مسول ایدیولوژیک و ولایت فقیه و امام زمان سازمان مجاهدین خلق ایران، و فرمانده ارتش آزادیبخش مجاهدین خلق ایران، و مسول شورای ملی مقاومت در تبعید، و صادر کننده حکم اعدام و مسول زندانی کردن و ضرب و شتم اعضای معترض و جدا شده در خاک عراق، آقای رجوی در سال ۱۳۷۰ و سال ۱۳۷۱ مرا چهار نوبت شخصاً دادگاهی کرد و هر بار حکم اعدام مرا صادر کرده و امضا کرد و در آخرین مرحله از دادگاه شخصاً اقدام به ضرب و شتم من پرداخت و بنا به فرمان شخص رجوی به مدت یک و نیم سال در زندانهای عمومی و انفرادی و خانه های امن در شهر بغداد زندانی بودم

۲- خانم مریم قجر عضدانلو "مریم رجوی" مسول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، معاون فرماندهی ارتش آزادیبخش مجاهدین مستقر در خاک عراق، و ریس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت مجاهدین خلق ایران، معاون دادگاههای انفرادی ارتش آزادیبخش مجاهدین و سازمان مجاهدین خلق ایران، خانم رجوی به همراه آقای مسعود رجوی در آخرین دادگاه در حالیکه دست بند به دست داشتم مرا مورد ضرب و شتم قرار داد، تنها به این خاطر که ولایت فقیه و امام زمان شدن و طلاق های اجباری آقا و خانم رجوی را نپذیرفتم

۳- آقای محسن رضایی عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران و دبیر شورای ملی مقاومت به ریاست خانم مریم رجوی، آقای محسن رضایی ریس زندانهای سازمان مجاهدین خلق ایران مستقر در خاک عراق، آقای محسن رضایی سر باز جوگر زندانهای سازمان مجاهدین خلق ایران، آقای محسن رضایی سر اکیپ شکنجه گران سازمان مجاهدین خلق ایران مستقر در خاک عراق، آقای محسن رضایی شخصاً مرا شکنجه و شلاق زده است

این انسان مسخ شده و بی رحم حقاً روی لاجوردی ریس زندان اوین رژیم جمهوری اسلامی را سفید کرده است. آقای محسن رضایی یک شکنجه گر و یک دژخیم واقعی است به این ترتیب شکنجه به معنای خاص کلمه حلقه آخر یک قدرت ماکیاولی است که برای رسیدن به قدرت و حفظ قدرت و تحکیم قدرت حلقه های دیگر آن عبارت است از دروغ و فریبکاری و ریا و خشونت و زور و تهمت و اتهام و چوب و چماق و زندان و پرونده سازیهای پلیسی، توقیف های غیر قانونی و بدون مدت، بازجویی های بدون حمایت های قضایی، اقرار و اعتراف به زور شکنجه و یا اعمال شکنجه برای ارباب و تحمیل سکوت و اطاعت کور کورانه.

۴- آقای مهدی خدایی صفت عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران و عضو فعلی شورای ملی مقاومت مجاهدین خلق ایران، آقای خدایی صفت زندانبان معروف سازمان مجاهدین خلق در قرارگاه اشرف مستقر در خاک عراق، آقای خدایی صفت مکرراً مرا در زندانهای قرارگاه اشرف و هم چنین در خانه های امن بغداد در سال ۱۳۷۰ و سال ۱۳۷۱ مورد ضرب و شتم قرارداد و هم چنین برای در هم شکستن روحیه من متوسل به شلاق زدن شد و به سایر شکنجه گران می گفت انقدر بزنی تا رهبری مسعود و مریم را قبول کند و حاضر بشود شعار "ایران رجوی - رجوی ایران" را بدهد. بنا براین می بینیم که مسئله در قلمرو شکنجه بمعنای خاص آن یعنی ایذا و آزار بدنی از قبیل کتک زدن در حین دستگیری و یا داخل زندان و زجر و شکنجه انسانها باآلات مجهز مطرح نیست بلکه شکنجه به معنای عام آن و در سطح جامعه و روابط قدرت و اعمال حاکمیت بر مردم در همه سطوح قضایی و اجرایی مطرح است.

۵- حسین ادیب عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران و عضو فعلی شورای ملی مقاومت مجاهدین خلق ایران به ریاست خانم مریم قجر عضدانلو "مریم رجوی" آقای ادیب مرا در سال ۱۳۷۰ در قرارگاه اشرف مورد ضرب و شتم قرار داد و در زندان مخوف H برای اولین بار از شلاق در شکنجه من استفاده کرد.

۶- فاضل از بخش پرسنلی یا بخش زندان و زندانی عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران و عضو شورای ملی مقاومت مجاهدین خلق ایران به ریاست خانم مریم قجر عضدانلو، نامبرده در سال ۱۳۷۰ و سال ۱۳۷۱ مرا مکرراً در قرارگاه اشرف مورد ضرب و شتم قرار داده است.

۷- عیسی بلوچ عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۷۰ در زندان قرارگاه اشرف مرا مورد ضرب و شتم قرار داده‌است .

۸- حسین عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ در قرارگاه اشرف و خانه های امن در شهر بغداد مرا مورد ضرب و شتم قرار داده‌است .

۸- سیدی کاشانی معروف به بابا از اعضای قدیمی سازمان مجاهدین خلق ایران و عضو فعلی شورای ملی مقاومت مرا در سال ۱۳۷۱ در خانه های امن شهر بغداد مورد ضرب و شتم قرار داده‌است .

۹- عباس داوری عضو دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران و عضو فعلی شورای ملی مقاومت مجاهدین خلق ایران مرا در سال ۱۳۷۱ در شهر بغداد مورد ضرب و شتم قرار داده است .

۱۰- خانم سهیلا صادق عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران و عضو شورای فرماندهی سازمان مجاهدین خلق ایران ، و نماینده رهبری در بخش زندان و زندانی سازمان مجاهدین خلق ایران ، و عضو فعلی شورای ملی مقاومت مجاهدین خلق ایران

خانم سهیلا صادق طی چندین نوبت در دستور داد در مقابل چشمانش مرا آقایان ، محسن رضایی و فاضل و عیسی بلوچ و سیدی کاشانی و روح الا و جلال ترک مورد ضرب و شتم قرار دادند - بنابراین مایل هستم برای پیگیری حقوق پایمال شده من اقدامات قانونی و قضایی را هر چه

زودتر بکار گیرید و شخصاً مایل هستم از نزدیک و طی ملاقات حضوری با شخص خودتان و یا نماینده گان شما در هر کجای دنیا حضور بهم رسانده و مسایل بیشتری را در رابطه با نقض حقوق بشر در درون روابط سازمان مجاهدین خلق ایران مستقر در خاک عراق باز گو نمایم .

با تقدیم احترام علی رضوانی عضو شورای مرکزی سابق سازمان

مجاهدین خلق ایران

26-11-1995

Z,H,REZWANI  
POST FACH 11 37  
63401 HANAU ,AM , MAIN  
GER MANY

TEL-FAX 0049- 69 81 11 31